

# چالش‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با هنجارهای حقوق بشری نظام بین‌الملل براساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

یحیی فوزی\* و محمد محمودی‌کیا\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۵	شماره صفحه: ۱۴۳-۱۲۳
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

چالش‌های حقوق بشری همواره به‌عنوان محملی برای اعمال فشار بیشتر بر ایران در چهاردهه گذشته مطرح بوده است. این مقاله با بهره‌گیری از الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها و با روش ترکیبی به بررسی علل این چالش‌ها در چهار سطح تحلیل لیتانی، تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای و نیز ارائه راهبردهای پیشنهادی برای مقابله با آنها در هر لایه پرداخته است. براساس یافته‌های پژوهش، در لایه اول علت‌ها یا همان سطح لیتانی، شاهد یک جنجال رسانه‌ای و نیز بزرگنمایی تبلیغاتی هستیم که بیشترین عوامل شناسایی شده در لایه اول به مسائلی همچون اعدام، حقوق زنان و پوشش آنها، حقوق اقلیت‌ها، روزنامه‌نگاران و نیز فعالان سیاسی بازمی‌گردد. در لایه دوم مبتنی بر مطالعه آثار و پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده، علل مختلفی همچون سیاسی، حقوقی، فناورانه و فرهنگی مورد شناسایی قرار گرفت. در لایه سوم نقش گفتمان غرب محور در نظام جهانی و همچنین گفتمان غرب‌باور در کشورهای پیرامون مطرح شد و در لایه چهارم به عواملی همچون اسطوره اومانیسیم، لیبرالیسم و پلورنالیسم اشاره شد. در نهایت با توجه به شناسایی علل مذکور در هر لایه، راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی مطرح شد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق بشر؛ جمهوری اسلامی ایران؛ چالش سیاست خارجی؛ روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

---

\* استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران؛

Email: Fozi@ihcs.ac.ir

\*\* استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: Mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کنشگری هنجارگرا و دین‌مدار در نظام بین‌الملل، همواره شاهد تحمیل چالش‌های مختلف و متنوعی از سوی نظام بین‌الملل بوده است که در این بین، چالش‌های حقوق بشری به‌عنوان محملی برای اعمال فشار بیشتر بر ایران به‌عنوان یکی از مهمترین آنها مطرح بوده است. همین مسئله موجب شد تا طی چهار دهه اخیر از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص پذیرش و یا امتناع از پذیرش هنجارهای نظام بین‌المللی دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی وجود داشته و همواره این سؤال مطرح بوده است که چگونه باید با این فشارها مواجه شد و چه راهبردهایی برای کاهش این فشارها وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال سه رویکرد مختلف وجود دارد؛ برخی بر این اعتقاد بوده‌اند که برای بهره‌مندی از فرصت‌های نظام بین‌الملل و اجتناب از تحدیدات ساختاری آن، لازم است به استقبال و پذیرش این هنجارها و نرم‌های بین‌المللی حرکت کنیم. براساس این دیدگاه طی دهه‌های گذشته، حقوق بشر در بسیاری از پیمان‌های سیاسی، نظامی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مؤثر و در برخی از مقاطع نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. از سوی دیگر، در زمینه تأثیرات متقابل حوزه حقوق بشر و سیاست، می‌توان گفت که در بسیاری از مقاطع از جمله فعل و انفعالات مربوط به نظارت بین‌المللی، حقوق بشر همواره تابعی از مناسبات مبتنی بر قدرت بوده است (عباسی و عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). این مسئله گواهی بر اهمیت و جایگاه والای هنجارهای حقوق بشری در نظام بین‌المللی معاصر است. تلقی از هنجارهای بین‌المللی به مثابه یک تهدید قریب‌الوقوع علیه ارزش‌ها و هنجارهای نظام داخلی موجب می‌شود تا سیاست‌گذاران و تدبیرپردازان سیاست خارجی در پذیرش هنجارهای بین‌المللی به‌صورت گزینشی و یا در مواردی با استفاده از حق شرط عمل کنند و خود را باید با آن انطباق دهند.

اما برخی دیگر، با رویکرد متفاوتی به حقوق بشر می‌نگرند و با استناد به تجربه تاریخی، همواره دیدگاهی تهدیدپندارانه نسبت به این هنجارهای بین‌المللی داشته و بر اجتناب از پذیرش هنجارهای برون‌دینی تأکید و قبول آن را تهدیدی نسبت به ارزش‌های موجود تلقی

می‌کنند؛ که در برخی پژوهش‌ها از آن با عنوان «تهدید هنجاری» نام برده شده است. بر این اساس، تهدید هنجاری به مثابه یک آسیب حتمی نسبت به نهاد سیاسی، از طریق سرپیچی از اصول اساسی نظم و حقوقی که گروه مورد تعلق فرد را تشکیل می‌دهد، ادراک می‌شود (Creppell, 2011: 450).

جریان سومی نیز وجود دارد که راه میانه را در پیش گرفته و خواهان پذیرش مشروط هنجارهای حقوق بشری بین‌المللی ضمن تحفظ اصول و ارزش‌های اسلامی هستند. در واقع بر پایه این رویکرد به رغم اختلاف‌هایی که در مبانی هستی‌شناسانه رویکرد اسلامی و غربی در مسئله حقوق بشر وجود دارد، براساس مطالعه تطبیقی بین مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر با اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان اشتراکات مهمی را مشاهده کرد و در برخی موارد نیز بُعد حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران از وجوه متمایز و هنجاری قوی‌تری برخوردار است.

#### جدول ۱. بررسی تطبیقی اصول قانون اساسی ج.ا.ایران با اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (فصل سوم: حقوق ملت)
مواد (۱، ۲ و ۶)	اصل (۱۹): برخورداری از حقوق مساوی بدون توجه به رنگ، نژاد و...
مواد (۲ و ۳)	اصل (۲۰): برخورداری یکسان از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
-	اصل (۲۱): توجه به حقوق زنان
ماده (۳)	اصل (۲۲): مصونیت از تعرض به جان، مال، حقوق، مسکن و شغل
ماده (۱۸)	اصل (۲۳): ممنوعیت تفتیش عقاید
-	اصل (۲۴): آزادی مطبوعات
-	اصل (۲۵): ممنوعیت تجسس
ماده (۲۶)	اصل (۲۶): آزادی احزاب، انجمن‌های صنفی، اقلیت‌های دینی و...

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (فصل سوم: حقوق ملت)	اعلامیه جهانی حقوق بشر
اصل (۲۷): آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها	ماده (۲۰)
اصل (۲۸): آزادی انتخاب شغل	ماده (۲۳)
اصل (۲۹): برخورداری از تأمین اجتماعی	ماده (۲۵)
اصل (۳۰): آموزش و پرورش رایگان	ماده (۲۶)
اصل (۳۱): حق برخورداری از مسکن	ماده (۲۵)
اصل (۳۲): تأکید بر مرجعیت احکام قضایی برای اعمال قانون	ماده (۱۰)
اصل (۳۳): ممنوعیت تبعید	ماده (۹)
اصل (۳۴): حق دسترسی به دادگاه‌های صالح	مواد (۸ و ۱۰)
اصل (۳۵): حق برخورداری از وکیل در دعوی قضایی	-
اصل (۳۶): شناسایی دادگاه صالح به عنوان تنها مرجع صدور حکم مجازات و اجرا	ماده (۱۰)
اصل (۳۷): اصل برائت	ماده (۱۱)
اصل (۳۸): ممنوعیت شکنجه	ماده (۵)
اصل (۳۹): ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت فرد بازداشتی یا زندانی	ماده (۱۲)
اصل (۴۰): منع تجاوز به منافع عمومی با ابزار قرارداد حق فردی	ماده (۲۹)
اصل (۴۱): عدم سلب تابعیت	ماده (۱۵)
اصل (۴۲): امکان درخواست تابعیت برای اتباع خارجه	ماده (۱۴)

مأخذ: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

تاکنون دوازده مورد از این هنجارها و مقررات بین‌المللی به تأیید و تصویب ایران رسیده<sup>۱</sup> که شامل موارد زیر است.

۱. پذیرش تعدادی از کنوانسیون‌ها و دیگر نُرم‌های حقوق بشری به دوره قبل از استقرار جمهوری اسلامی مربوط می‌شود که حسب اصول موضوعه حقوق بین‌الملل، در دوره جمهوری اسلامی نیز معتبر شناخته شده‌اند (جدول ۳).

جدول ۲. هنجارهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر (به ترتیب تاریخ تصویب)

ردیف	عنوان هنجار بین‌المللی	تاریخ تصویب
۱	اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه	۲۶ آگوست ۱۷۸۹
۲	کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن	۹ دسامبر ۱۹۴۸
۳	اعلامیه جهانی حقوق بشر	۱۰ دسامبر ۱۹۴۸
۴	کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان	۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱
۵	اعلامیه جهانی حقوق کودک	۲۰ نوامبر ۱۹۵۹
۶	کنوانسیون مربوط به رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها	۷ نوامبر ۱۹۶۲
۷	کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی	۲۱ دسامبر ۱۹۶۵
۸	میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶
۹	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۲۶ دسامبر ۱۹۶۶
۱۰	پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۲۶ دسامبر ۱۹۶۶
۱۱	اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران	می ۱۹۶۸
۱۲	کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان	۱۸ دسامبر ۱۹۷۹
۱۳	اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد	۲۵ نوامبر ۱۹۸۱
۱۴	کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده	۱۱ دسامبر ۱۹۸۴
۱۵	پیمان‌نامه حقوق کودک	۲۰ نوامبر ۱۹۸۹
۱۶	دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی	۱۵ دسامبر ۱۹۸۹
۱۷	اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی	۱۸ دسامبر ۱۹۹۲
۱۸	اعلامیه جهانی حقوق زبانی	ژوئن ۱۹۹۶
۱۹	پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	۱۵ اکتبر ۱۹۹۹
۲۰	پروتکل‌های اختیاری معاهده حقوق کودک	۲۵ می ۲۰۰۰
۲۱	پروتکل اختیاری حقوق کودک در مورد فروش کودکان، روسپیگری و هرزه‌نگاری کودک (پورنوگرافی)	۲۵ می ۲۰۰۰
۲۲	مقاله‌نامه اختیاری میثاق حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ	۱۲ فوریه ۲۰۰۲
۲۳	کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت	۱۳ دسامبر ۲۰۰۶

جدول ۳. اسناد بین‌المللی حقوق بشری که ایران به عضویت آن درآمده است (به ترتیب تاریخ تصویب)

ردیف	عنوان کنوانسیون / قرارداد	تاریخ تصویب / مکان تصویب	تاریخ و محل تصویب در ایران
۱	قراردادهای بین‌المللی پاریس و ژنو درباره جلوگیری از رفتار جنایت‌آمیز نسبت به زنان و کودکان	۳۰ سپتامبر ۱۹۴۱ - ژنو	۱۴ / ۱۰ / ۱۳۱۰ - مجلس شورای ملی
۲	قرارداد بین‌المللی جلوگیری از معامله و اغوای نسوان کبیره	۱۱ اکتبر ۱۹۴۱ - ژنو	۲۰ / ۱۰ / ۱۳۱۳ - مجلس شورای ملی
۳	قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی	هفتم سپتامبر ۱۹۵۶ - ژنو	۳ / ۳ / ۱۳۳۷ - مجلس شورای ملی
۴	قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی	۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ - مجمع عمومی سازمان ملل	۳۰ / ۴ / ۱۳۴۷ - مجلس شورای ملی
۵	میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۱۷ / ۲ / ۱۳۵۴ - مجلس شورای ملی
۶	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۱۷ / ۲ / ۱۳۵۴ - مجلس شورای ملی
۷	کنوانسیون وضع پناهندگان	۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل آن مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۲۵ / ۳ / ۱۳۵۵ - مجلس شورای ملی
۸	کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید	۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۳ به تأیید شورای نگهبان رسید).
۹	کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش	۱۴ دسامبر ۱۹۷۷ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۱۵ به تأیید شورای نگهبان رسید).
۱۰	کنوانسیون حقوق کودک	۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید).
۱۱	پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان	۲۵ می ۲۰۰۰ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسید).
۱۲	کنوانسیون مربوط به حقوق معلولان	۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۴ به تأیید شورای نگهبان رسید).

مبتنی بر رویکرد سوم، در تحقیق حاضر سعی داریم تا با کاربست الگوی «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» به بررسی چیستی و علل چالش‌های سیاست خارجی ایران با هنجارهای حقوق بشری نظام بین‌الملل و نیز راهبردهای ممکن در هر یک از لایه‌ها بپردازیم. بر این اساس، چالش‌های ناشی از هنجارهای حقوق بشری فراروی سیاست خارجی ایران و نیز سناریوها و راهبردهای قابل طرح در هر یک از چهار سطح لیتانی<sup>۱</sup>، تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای بررسی می‌شود.

این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حوزه هنجارهای حقوق بشری با چه چالش‌هایی مواجه است؟ برای پاسخ آن نیازمند پاسخ به سؤالات دیگری هستیم که عبارتند از:

- علل چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با هنجارهای نظام بین‌الملل در سطوح چهارگانه لیتانی، تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای چیست؟
- با توجه به این سطوح چهارگانه چه راهبردهایی برای آینده چالش‌های حقوق بشری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متصور است؟

## ۱. چارچوب نظری

این پژوهش مبتنی بر رویکرد تحلیلی لایه‌ای علت‌ها<sup>۲</sup> انجام می‌گیرد. این رویکرد که متعلق به سنت آینده‌پژوهی انتقادی است که توسط سهیل عنایت‌الله<sup>۳</sup> آینده‌پژوه پاکستانی - استرالیایی ابداع شد. هرچند تحلیل لایه‌ای علت‌ها، گاهاً به‌عنوان یک روش آینده‌پژوهی مطرح می‌شود؛ اما در واقع تفکری است که محصول پس‌اساختارگرایی است. این رویکرد به‌عنوان رویکردی ساختارشکن از محقق می‌خواهد که برای تبیین و تحلیل واقعیات موجود هرچه می‌تواند به خارج از سطح اولیه علل نظام‌مند بیندیشد تا بتواند سناریوها و راهبردهای خلاقانه‌تر و ژرف‌تری را برای حل مسائل و چالش‌ها ارائه کند.

1. Litany

2. Causal Layered Analysis (CLA)

3. Sohail Inayatullah

در واقع در این رویکرد، تحلیل واقعیت اجتماعی و سیاسی نیازمند تحلیل لایه‌های مختلف مؤثر بر آن است. این لایه‌ها در چهار سطح تعریف می‌شوند که در مقایسه با تحلیل تک لایه‌ای یا دولایه‌ای، رهیافت ژرف‌تری به مسائل دارد و از سطحی‌نگری عبور کرده و به تحلیل علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری واقعیت‌ها می‌پردازد. در واقع تحلیل هر لایه می‌تواند ضمن تحلیل از واقعیت از منظر خاص و ارائه راهبردهای متناسب اقتضائات آن لایه، در نهایت یک بسته تحلیل سیاسی کامل را در خصوص واقعیت موجود ارائه دهد که حاوی سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت است. بر این اساس تحلیل چهارلایه‌ای علت‌ها، صورت‌بندی جدیدی از واقعیت‌ها و روندهای موجود از واقعیت‌ها را ارائه می‌دهد که توجه به هر سطح می‌تواند راه‌حل‌ها و آینده‌های جدیدی را برای محققان ارائه کند.

تحلیل لایه‌ای، در چهار سطوح لیتانی، علل تجربی، گفتمان و جهان‌بینی و اسطوره به تحلیل واقعیت‌ها می‌پردازد.

در این سطوح تحلیلی، سطح اول واقعیت مورد مشاهده که عنایت‌الله آن را لیتانی می‌نامد توصیف می‌شود. در سطح دوم کشف علل نظام‌مند از طریق نظام‌های علمی، به تحلیل علت واقعیت موجود (از جمله علت‌های اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و تاریخی) می‌پردازیم که این سطح، معمولاً در پژوهش‌های دانشگاهی به خصوص در حوزه فنی و تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما عنایت‌الله معتقد است این سطح از تحلیل کافی نیست و به خصوص در پدیده‌های انسانی، علل وابسته به سطوح عمیق‌تر هستند و معتقد است برای تحلیل عمیق‌تر باید به لایه سوم یعنی لایه گفتمانی و جهان‌بینی رجوع کرد. هر جهان‌بینی در مجموعه‌ای از ارزش‌ها خلاصه می‌شود و هدف این لایه، کشف پارادایم‌ها و ارزش‌های بنیادینی است که لیتانی را خلق کرده و سعی در مشروع‌سازی آن دارند. از نظر عنایت‌الله در این سطح می‌توان به این امر پرداخت که چگونه گفتمان‌های مختلف (مثلاً ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های بیان شده از طریق تمدن‌ها و معرفت‌ها) واقعیت‌های اجتماعی را برمی‌سازند. در نهایت سطح اسطوره - استعاره به ریشه‌یابی عمیق‌تر علل می‌پردازد. باید گفت منظور از اسطوره ایدئال‌ها و



مطلوباتی است که در پشت هر واقعیت اجتماعی پنهان شده‌اند. سطح اسطوره - استعاره به ما می‌آموزد که برای ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت نیاز به سرایش داستان‌های جدید داریم.

مبنتی بر رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها می‌توان علاوه بر رمزگشایی از حال و گذشته مسئله، آینده را با حرکت به سوی یک نظام، جهان بینی یا اسطوره بدیل بازسازی کرد. بر این اساس باید گفت تحلیل لایه‌ای علت‌ها یک روش موفق آینده‌پژوهی است که زمینه ژرف‌نگری به آینده را فراهم می‌کند. آینده‌پژوهانی که این روش را به کار می‌گیرند با غور در هر لایه؛ راهبردهایی را به تناسب نیازها، الزامات و اقتضائات آن لایه ابداع می‌کنند، به طوری که پس از تعمق در تمامی لایه‌ها چهار دسته راهبرد برای حل مسئله به دست می‌آید. هرچه از لایه‌های بالایی به سمت لایه‌هایی پایینی پیش می‌رویم راهبردها، بلندمرتبه‌تر و در نتیجه اثرگذارتر می‌شوند. با خلق این مجموعه سناریوها / راهبردها، آینده‌پژوهان در واقع یک بسته سیاسی کامل و متنوع را به سیاستگذاران پیشنهاد می‌کنند که حاوی سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت است.

## ۲. روش‌شناسی

روش تحقیق این پژوهش روشی ترکیبی است. به این معنا که ضمن استفاده از روش‌های تجربی، تفسیری و انتقادی تلاش می‌کند با ترکیب این روش‌ها در تبیین لایه‌های مختلف علی پدیده‌ها و با رفت و برگشت عمودی در لایه‌های علی، با استفاده از نوعی ترکیب روشی، تصویر جامع‌تری را از واقعیت ارائه دهد و به نوعی هم‌افزایی دست زند. در این پژوهش داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل از مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی مقالات، کتاب‌ها، خاطرات و اسناد و همچنین برگزاری نشست‌های تخصصی استخراج می‌شود و علت‌ها در هر لایه شناسایی و توسط جمعی از نخبگان مورد بازبینی و تعدیل قرار گرفته و در نهایت علت‌های نهایی در هر لایه مشخص می‌شوند. در نهایت مقاله حاضر با استفاده از نظر خبرگان راهبردهایی را به تناسب نیازها، الزامات و اقتضائات آن لایه ارائه خواهد کرد.

### ۳. یافته‌های پژوهش: ابعاد چالش سیاست خارجی ایران با هنجارهای حقوق بشری نظام بین‌الملل بر اساس الگوی رویکرد تحلیلی لایه‌ای علت‌ها

#### ۳-۱. سطح اول: لیتانی

براساس یافته‌های پژوهش، در سطح لیتانی شاهد یک جنجال رسانه‌ای و نیز بزرگنمایی تبلیغاتی هستیم که غرب همواره علیه ایران مطرح می‌کند و سعی دارد تا عدم پایبندی ایران به اصول حقوق بشر مورد نظر خود را به‌عنوان یکی از چالش‌های عمده جمهوری اسلامی ایران در برابر نظام بین‌الملل معرفی کند. از منظر تاریخی، در طول چهار دهه اخیر، اتحادیه اروپا همواره موتور محرکه تهیه پیش‌نویس، گردآوری امضا و بسیج همه امکانات برای تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران در کمیسیون حقوق بشر، کمیته سوم مجمع عمومی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد بوده است. این اتحادیه همواره نگرانی خود را از وضعیت ادعایی نقض حقوق بشر در حوزه‌هایی چون زنان، وضعیت اقلیت‌های خاص و نیز مطبوعات و... ابراز داشته و این مسئله موجب شده است تا ادعای نقض حقوق بشر همواره بر روابط میان ایران و اتحادیه اروپا تأثیر منفی داشته باشد تا جایی که اتحادیه اروپایی گسترش روابط اقتصادی و تجاری با جمهوری اسلامی ایران را به حل چالش‌های حقوق بشری منوط کرده است (بزرگمهری و عزیز، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۷).

اتحادیه اروپا به‌منظور پیشبرد اهداف حقوق بشری و روند مردم‌سالاری در روابط خارجی تاکنون از ابزارهای مختلفی استفاده کرده است. برخی از این ابزارها همان ابزارهای دیپلماتیک مانند اعلامیه‌ها، اقدامات سیاسی و نیز قطعنامه‌ها و مداخلات در چارچوب سازمان ملل متحد است. علاوه بر این، اتحادیه اروپا از طریق همکاری، کمک و گفتگوهای سیاسی که در کشورهای ثالث اجرا می‌کند به پیشبرد حقوق بشر و روند دموکراسی می‌پردازد. برای این کار اتحادیه اروپا از مبنای حقوقی خاصی پیروی می‌کند که با نام «بند حقوق بشر» شناخته می‌شود و تقریباً در تمامی موافقت‌نامه‌های اتحادیه اروپا به کشورهای ثالث، به‌عنوان یکی از شروط و مؤلفه‌های اساسی گنجانده می‌شود (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷). همچنین پارلمان اروپا در یک دهه اخیر بیش از هجده قطعنامه علیه ایران

در حوزه‌های متنوعی چون فقدان آزادی مطبوعات، وضعیت زندانیان سیاسی و... صادر کرده است (عباسی و عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

در مجموع بر این اساس می‌توان به فهرستی طولانی از افراد، نهادها و سازمان‌های ایرانی اشاره کرد که به دلیل ادعایی نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌های غرب قرار گرفته‌اند. بیشترین عوامل شناسایی شده در لایه اول بر مسائلی چون اعدام، حقوق زنان و پوشش آنها، حقوق اقلیت‌ها، روزنامه‌نگاران و نیز فعالان سیاسی بازمی‌گردد تا جایی که موضوع حقوق بشر یکی از شروط چهارگانه گسترش روابط از طرف آنها با ایران اعلام شد. ایالات متحده آمریکا نیز در شرایط فقدان روابط دیپلماتیک با ایران، موضوع حقوق بشر را در کنار اتهامات حمایت از تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و استفاده غیرصلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای مورد توجه قرار داده است (ستوده و ایبا، ۱۳۹۱: ۸۵). چالش‌های حقوق بشر بین ایران و غرب بیشتر به مسائلی نظیر تبعیض علیه اقلیت‌های دینی، اقلیت‌های قومی و اقلیت‌های زبانی، آزادی‌های اساسی همچون آزادی مطبوعات، آزادی بیان، عقیده و اجتماعات، بالا بودن میزان اعدام‌ها، اصلاح مجازات‌ها و... معطوف بوده است (مهرپور، ۱۳۷۲: ۱۶۶).

## ۲-۳. سطح دوم: علل تجربی

در لایه دوم که مبتنی بر آثار و پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده است؛ علل مختلفی از سوی محققان مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ۱-۲-۳. علل سیاسی

یکی از چالش‌هایی که همواره کنش سیاست خارجی ایران در نظام بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار داده، نوع روابط سیاسی ایران با کشورهای غربی به خصوص آمریکا است. به بیان دیگری از دلایل وجود چنین چالش‌هایی به موضوعیت یافتن مباحث حقوق بشری در حکمروایی جهانی بازمی‌گردد. امروزه در بسیاری از سنت‌ها به خصوص دیدگاه ایدئولوژیکی و فرهنگی، ایده و پدیده حقوق بشر طنین انداخته

است؛ به گونه‌ای که در نظام ملل متحد نیز از بسیاری از هنجارهای حقوق بشری و اعمال حمایت دموکراتیک، حمایت رسمی به عمل می‌آید. شاید بتوان این گونه گفت که حقوق بشر در قرن ۲۱ تبدیل به یک زبان بین‌المللی شده و دیگر آنکه در طول تاریخ، زمانه این چنین شاهد اهمیت‌گذاری به نیازهای حقوق بشری نبوده است (محمدی و سجادیور، ۱۳۹۱: ۲۴۴).

### ۲-۲-۳. علل حقوقی

مسئله دیگری که در سطح دوم قابل بحث و بررسی است چالش‌های حقوقی مسئله حقوق بشر و اختلافات موجود در این حوزه است. از منظر حقوق بین‌الملل، یکی از مهمترین مباحث مطرح در حوزه رفتار حقوق بشری ایران به نحوه پذیرش این هنجارها از طرف جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد. چنانچه پیشتر نیز اشاره شد یکی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران استفاده از حق شرط برای پذیرش هنجارهای حقوق بشری بوده است. براساس برخی پژوهش‌ها، مسئله مشروعیت حق شرط‌های ایران بر کنوانسیون‌ها همواره یکی از موارد چالش برانگیز ایران و جامعه بین‌المللی بوده است (آذری و طباطبایی حصار، ۱۳۹۶: ۱۳-۱۲). الحاق بی‌قید و شرط ایران به برخی از کنوانسیون‌های حقوق بشری پیش از انقلاب اسلامی موجب شد که نظام حقوقی ایران پس از انقلاب با حساسیت و وسواس بیشتری به سایر اسناد حقوق بشری ملحق شود به گونه‌ای که با اتخاذ شروط کلی، حکم عدم الحاق را به اذعان جامعه بین‌المللی متبادر کند؛ چرا که براساس حقوق بین‌الملل، حق شرط باید جزئی، مشخص، معین و همسو با هدف و موضوع کنوانسیون باشد تا کشورهای دیگر به طور دقیق بدانند که یک کشور به کدام مقررہ متعهد نیست و سپس بتوانند در خصوص هر حق شرط مشخصی، موضع معینی داشته باشند. نکته قابل توجه آن است که حق شرطی که جامعه بین‌المللی را به قانون داخلی یا حقوق اسلام ارجاع می‌دهد از این ویژگی برخوردار نیست.

چالش دیگر در حوزه حق شرط‌ها، سکوت در مورد یک کنوانسیون است. برابر حقوق بین‌الملل حق شرط تنها زمانی پذیرفته است که در زمان اعلام رضایت دولت به

کنوانسیون مطرح شده باشد و وقتی حق شرطی در آن زمان اعلام نشود، به این معناست که دولت به تمام مفاد آن پایبند است. این چالش به طور مشخص به تعهدات ایران در قبال کنوانسیون حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود که ایران پیش از انقلاب بدون حق شرطی به آن ملحق شده است. مشکل هنگامی دوچندان می‌شود که برابر مفاد کنوانسیون و براساس نظر تفسیری شماره 26(61) کمیته حقوق بشر سازمان ملل، ایران نه تنها در حال حاضر نمی‌تواند اشتراط کند، حتی نمی‌تواند از الحاق به این کنوانسیون انصراف دهد (همان: ۱۵-۱۴).

### ۳-۲-۳. علل فناورانه (پروژه رسانه‌ای اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی)

مسئله دیگر در این باره، به نقش ابزارهای ارتباطی و انقلاب در عرصه فناوری اطلاعات بازمی‌گردد. امروزه با بهره‌گیری از ظرفیت این رسانه‌های فراگیر می‌توان در کمترین زمان ممکن حجم قابل توجهی از اطلاعات را در گسترده وسیعی از زمان و فضا منتشر کرد. جهانی شدن استفاده از رسانه‌های اجتماعی و نیز شبکه‌های اجتماعی موجب شده است تا اخبار و اطلاعات به سرعت به گوشه و کنار جهان منتقل شود. بنابراین برخی اقدامات در عرصه عمومی این امکان را دارد که به سرعت به‌عنوان یک مسئله حقوق بشری مطرح شود و همین امر زمینه‌ساز چالش‌های جدیدی برای دولت‌ها شده است (فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۱۸۳). از این رو رسانه‌ها یکی از عناصر تأثیرگذار در برجسته‌سازی مسئله حقوق بشر به‌شمار می‌روند. پروپاگاندا و وسیع رسانه‌های غربی مبنی بر نقض فاحش حقوق بشر در ایران همواره یکی از ارکان ثابت سیاست غرب نسبت به جمهوری اسلامی ایران بوده است. انتشار پرحجم اخبار مربوط به اعدام کودکان و زنان، محروم‌سازی و نقض حقوق اقلیت‌ها و... این تصویر را در اذهان عمومی جامعه جهانی متبادر می‌کند که ایران در صدر کشورهای ناقض حقوق بشر قرار دارد و این امر ضروری است تا اقدامات لازم برای تغییر رفتار ایران انجام شود. در واقع، رسانه عامل مشروعیت‌بخش سیاست‌های خصمانه حقوق بشری غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود.

#### ۴-۲-۳. علل فرهنگی

یکی دیگر از عناصر مؤثر در چالش‌های حقوق بشری ایران و غرب به منازعه اسلام و غرب مربوط می‌شود. بدیهی است هر یک از کلان حوزه‌های تمدنی اسلام و غرب با استناد بر ارزش‌ها، اصول، تجربیات تاریخی و نیز تمنیات خود تعریف متفاوتی از حقوق بشر ارائه می‌دهند. غرب مدرن با تکیه بر ارزش‌هایی چون لیبرالیسم، اومانیزم و پلورنالیسم نگاه و تعریف خاص خود از انسان و حقوق آن را ارائه می‌دهد در حالی که در سنت اسلامی شاهد حضور ارزش‌های متفاوت دیگری هستیم.

مبنای فکری غرب در زمینه حقوق بشر بر پایه اصالت انسان قرار دارد. در این تفکر انسان حاصل تکامل بوده و موجودی خودساخته است که می‌تواند در زندگی خود و جهان هستی هر تغییری ایجاد کند. در اندیشه سکولاریسم، انسان محور تمام چیزها قرار می‌گیرد و با نگاهی دئیستی به جهان هستی، غایت و هدف اصلی انسان را ارضای امیال و تحقق اراده این جهانی انسان می‌داند. بر این اساس، انسان یگانه مرجع تعیین و تشخیص غایات خویش و مستقل از هرگونه نیروی ماورای طبیعی و فراانسانی و تنها معیار ارزیابی هر غایت، حقیقت و ارزش به‌شمار می‌رود (عمار، ۱۳۹۰: ۱۶۵). حال آنکه در رویکرد اسلامی اصل، تفکر توحیدی است و همه چیز گرد وجود توحید شکل می‌گیرد. بنابراین مسئله تعالی انسان اهمیت می‌یابد و حقوق بشر نیز با نگاهی به ضرورت تعالی بشر تعریف می‌شود. بر این اساس، تعریف غرب از نوعی تقلیل‌گرایی انسان حکایت دارد.

تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم در زمان کنونی نمودی از تقابل دو تمدن اسلام و غرب است. این دو تمدن در دوره‌های مختلف زمانی بر اساس نیازهای استراتژیک خود به منازعه برخاسته‌اند. منازعات و تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم، در دوره معاصر مبتنی بر عناصر و نشانه‌های هویتی و تمدنی بوده و حاکی از آن است که این گزاره‌ها و عناصر فرهنگی و هویتی محورهای تقابل این دو گفتمان در ساحت عمل شکل می‌دهد و چرایی این تقابل را باید در عناصر استراتژیک هویتی و تمدنی جستجو کرد.

### ۳-۳. سطح سوم: گفتمانی

در این سطح با توجه به رویکرد فوکو به ارتباط گفتمان با قدرت، باید از نقش گفتمان غرب محور در نظام جهانی و همچنین گفتمان غرب باور در کشورهای پیرامون به عنوان یک عوامل مهم در این لایه نام برد.

یکی از عواملی که به تفوق گفتمان حقوق بشر غربی در جهان معاصر منجر شده است به ماهیت نظم بین‌المللی جدیدی بازمی‌گردد که پس از پایان جنگ جهانی دوم و به طور خاص نظامی که پس از فروپاشی جهان دوقطبی در عرصه سیاست بین‌الملل پدیدار شد. بر این اساس غرب به عنوان قدرت مسلط سیاسی، اقتصادی و نظامی در ساخت هنجارهای بین‌المللی نظم جدید؛ بیشترین نقش را ایفا کرد و طبیعی است هنجارهای جدید متناسب با دریافت این بازیگران از ترتیبات موجود و نیز منافع ملی خود باشد.

وقوع انقلاب اسلامی در یکی از مناطق راهبردی جهان و نیز اعلام بی‌طرفی آن نسبت به هر یک از بلوک‌های سیاسی - نظامی آن دوره موجب شد تا راه برای طرح گفتمانی جدید در عرصه بین‌المللی فراهم آید. در واقع انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و توحیدی خود به بازآفرینی هنجارهای نوینی پرداخت که در تضاد با ارزش‌های نظم مسلط بود.

بر این اساس با توجه به اینکه گفتمان توحیدی در تقابل با گفتمان مادی‌گرای سکولار غرب قرار دارد بدیهی است تا شاهد بروز تعارضات و چالش در این عرصه باشیم. یکی از مؤثرترین نقاط برخورد گفتمان اسلام و غرب در تعریف انسان و نیز حقوق و مسئولیت‌های اوست. موضوعی که هر یک از طرف‌های بحث نسخه‌ای متفاوت برای آن ارائه می‌کنند.

با توجه به اینکه انسان و حقوق آن در گفتمان‌های غربی و اسلامی از تعاریف مختلفی برخوردار است و براساس زاویه دید هر یک از این تعاریف، گفتمان‌های متفاوتی بروز و ظهور می‌یابد، حال این سؤالات مطرح می‌شود که آیا بدیلی برای گفتمان حقوق بشری غربی وجود دارد؟ چگونه باید این گفتمان‌های بدیل را تقویت

کرد؟ چرا باید براساس حقوق بشر غربی عمل کرد؟ و راه‌های بدیل برای حقوق بشر غربی کدامند؟

#### ۳-۴. سطح چهارم: سطح اسطوره‌ای / استعاره‌ای

درونی‌ترین لایه تحلیل به سطح اسطوره‌ها بازمی‌گردد. خبرگان مشارکت‌کننده در این مورد به عواملی همچون اسطوره اومانیسیم، لیبرالیسم و پلورالیسم اشاره می‌کنند. سؤال اصلی در این طرح این است که چه آینده‌ایی برای استعاره‌های اصلی حقوق بشر غربی یعنی اومانیسیم، لیبرالیسم و پلورالیسم می‌توان متصور شد؟

در اصل غرب تمایل بسیاری دارد تا خود را به‌عنوان یگانه مدافع انسانیت در جهان مطرح و قرائت خود از انسان را به تنها قرائت موجود در جهان بدل کند. اسطوره ناجی بشریت بودن و تشکیک در قرائت واحد از این اسطوره‌ها یکی از مهمترین چالش‌های موجود در اختلافات مطرح میان غرب و ایران در مسئله حقوق بشر است. به این ترتیب در خصوص زبان استعاره‌ای حقوق بشر غربی و میزان کامیابی آن نقدهای فراوانی صورت پذیرفته و تردیدهای جدی در خصوص میزان پایایی‌ها آنها ابراز شده است. با این حال به نظر می‌رسد هرگونه تغییر در چالش‌های موجود را باید در ارائه ایدئال‌های جدید و سرایش داستان‌های تازه جستجو کرد.

#### ۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

این مقاله با بهره‌گیری از الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها، به بررسی چالش‌های حقوق بشری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار سطح تحلیل لیتانی، تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای پرداخته است. بر این اساس هرچه از لایه‌های بالاتر به سطوح پایین‌تر در این سلسله‌مراتب از علل حرکت می‌کنیم، شاهد درونی‌تر شدن بیشتر علت‌ها و عمیق‌تر شدن ریشه اختلافات موجود هستیم.

سطح اول نمایان‌ترین سطح تحلیل بوده و آسیب‌شناسی پدیده‌ها در این لایه، سطحی و برای همگان قابل لمس است راهبردهای موجود در این سطح عمدتاً بر این



مسئله متمرکز است که چه اقداماتی در این باره باید انجام شود تا شاهد کاهش فشارهای غرب علیه ایران باشیم؟ برخی اقدامات همچون تلاش برای اصلاح قانون مجازات اسلامی و تمهید مجازات جایگزین زندان، تدوین و اجرایی کردن قانون صیانت از حقوق شهروندی، ایجاد فضای باز رسانه‌ایی برای فعالیت روزنامه‌نگاران و... می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از مشکلات به‌عنوان راهکارهای کوتاه‌مدت مطرح باشد. اما سؤال اصلی این است که آیا با انجام این دست از اقدامات شاهد اتمام چالش‌های حقوق بشری ایران با نظام بین‌الملل خواهیم بود؟ به نظر می‌رسد این چالش‌ها ریشه در سطوح دیگری از علل دارد که تا برطرف نکردن آنها همچنان شاهد تداوم این اختلافات خواهیم بود.

سطح دوم به علل سیاسی - اجتماعی، حقوقی و... تأکید می‌کند و راهبردهای موجود در این سطح از تحلیل بر چند حوزه اقدام تمرکز دارد. نخستین اقدام به تغییر در رابطه سیاسی با غرب بازمی‌گردد، چنانچه برخی معتقدند تا زمانی که نوع رابطه سیاسی میان ایران و غرب از حالت تقابل طلبانه به حالت تعامل‌گرایانه تغییر نیابد، امکان حل و فصل منازعات در سطوح پایین‌تر از جمله چالش‌های حقوق بشری وجود نخواهد داشت. در واقع نوع رابطه سیاسی بین ایران و غرب و به‌طور ویژه، ایالات متحده آمریکا سایه سنگینی بر دیگر مباحث و اختلافات فی‌مابین داشته و تا زمان تداوم وضعیت فعلی، چشم‌انداز روشنی برای برون‌رفت از چالش‌های سطوح پایین وجود ندارد.

راهبرد دیگر در این باره به ضرورت تغییر در فضای گفتمانی موجود بین اسلام و غرب از طریق سیاست‌هایی همچون گفت‌وگوی ادیان و تمدن بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد هرچه تعامل نزدیک‌تری بین مراکز علمی در حوزه موضوعات مورد اختلاف از جمله موضوع حقوق بشر صورت پذیرد، تقارب و همگرایی فکری بیشتری در این زمینه بین جامعه نخبگانی طرفین ایجاد می‌شود و به جای تصویرسازی‌های غالباً نادرست رسانه‌ایی از الگوی دینی حقوق بشر، رویکردی عقلایی در این رابطه حکمفرما می‌شود.

راهبرد قابل طرح دیگر در این رابطه به لزوم حضور هرچه فعالانه‌تر در مجامع بین‌المللی بازمی‌گردد. اتخاذ سیاست منفعلانه در قبال مسئله نقض حقوق بشر و حضور

در جایگاه متهم همواره موجب شده تا کفه ترازو در عرصه بین‌المللی به نفع غرب سنگینی کند. حال آنکه این فرصت برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد تا اولاً به تبیین مبانی فکری و علمی خود در زمینه حقوق بشر در عرصه بین‌المللی مبادرت کند و ثانیاً در جایگاه مدعی‌العموم از نقض حقوق بشر در جوامع غربی اقامه دعوی کند تا از این طریق به نوعی تعادل و موازنه در عرصه بین‌المللی دست یابیم.

همچنین تقویت گفتمان حقوق بشر بدیل با طرح گسترده و مستمر در مجامع علمی و دانشگاهی جهانی نیز به‌عنوان راهبرد مهمی برای گفتمان‌سازی در این خصوص توسط خبرگان مطرح شد.

سطح سوم از علت امتناع ایران از پذیرش دسته‌ای از هنجارهای بین‌المللی و به‌طور خاص هنجارهای حقوق بشری به سطح گفتمانی بازمی‌گردد. این سطح که نسبت به سطح اول درونی‌تر شده است به ریشه‌های گفتمانی این موضوع می‌پردازد. در این سطح شاهد تباین عناصر و دقایق گفتمانی بین گفتمان رایج و حاکم بر فضای سیاسی ایران که از آن با عنوان اسلام سیاسی یاد می‌شود با عناصر و دقایق گفتمان سکولار غرب هستیم. در واقع این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان وضعیت بدیلی را برای رهایی از فشارهای غرب برای حفظ معیارهای حقوق بشری که مبتنی بر فرهنگ و تمدن غربی تدوین شده است طراحی کرد و به پیش برد که راهبردهای موجود در این سطح از تحلیل به صورت‌های ذیل قابل طرح و پیگیری باشد:

راهبرد اول به تقویت ائتلاف و گفت‌وگو با جهان اسلام برای طرح ارزش‌های مشترک حقوق بشری بازمی‌گردد. حضور ۵۷ کشور در سازمان همکاری اسلامی زمینه مناسبی برای طرح و پیگیری موضوعات و دستورکارهای بین‌المللی است. بلوک کشورهای اسلامی این ظرفیت را دارند تا همانند اعلامیه حقوق بشر اسلامی در قاهره، با همگرایی و تعامل نسبت به بازتولید هنجارهای جدید مبتنی بر ارزش‌های اسلامی مشترک اقدام کنند تا بتوانند در میان مدت تسلط گفتمانی یکسویه حقوق بشر غربی را تعدیل کنند.

همچنین راهبردهای دیگر در این رابطه به ائتلاف و گفت‌وگو با شرق به‌منظور طرح

و اقامه حقوق بشر شرقی در مقابل الگوی حقوق بشر غربی بازمی‌گردد. شرق تمدنی از ظرفیت بالایی برای ارائه هنجارهای جدید در عرصه جهانی برخوردار بوده و قد برافراشتن قدرت‌های آسیایی در عرصه اقتصادی می‌تواند این فرصت را فراهم آورد تا شاهد بازتولید ارزش‌های جدیدی در عرصه بین‌المللی از جمله هنجارهای حقوق بشری باشیم همچنان که غرب از همین ابزار برای اعمال فشار بر کشورهای شرق همچون چین و روسیه بهره می‌برد.

راهبرد دیگر در این رابطه، افزایش تلاش‌ها برای کاستن از سیطره غرب بر مجامع حقوق بشری است. حضور فعالانه این ائتلاف اسلامی و شرقی می‌تواند نفوذ غرب بر مجامع حقوق بشری را کاهش دهد و زمینه را برای طرح و اقامه هنجارهای بدیل فراهم آورد.

سطح چهارم، سطح اسطوره‌ای یا استعاره‌ای است. در این سطح که درونی‌ترین سطح بررسی است به اسطوره‌ها و زبان استعاره‌ای اشاره می‌شود که ریشه در تاریخ اندیشه یک ملت دارد. در این سطح این‌گونه مطرح می‌شود که علت تهدیدپذیری هنجارهای نظام بین‌الملل ریشه در زبان استعاره‌ای دارد. هرگونه تغییر در این رابطه نیازمند شکل‌گیری نوعی زبان استعاره‌ای جدید و ارائه اسطوره‌های نوین است.

زبان استعاره‌ای حاکم بر حقوق بشر غربی از مفاهیمی چون اومانیسزم، لیبرالیسم و پلورنالیسم بهره می‌گیرد و طی سالیان اخیر نظریه‌پردازان و اندیشمندان غربی کوشیده‌اند تا با طرح ایده‌هایی چون پایان تاریخ، دست به نوعی اسطوره‌سازی از این مفاهیم بزنند که با برجسته‌سازی انتقادات وارده بر این اسطوره‌ها باید تأکید بر قرائت واحد و اروپامحور از این اسطوره‌ها را زیر سؤال برد و با قرائت‌های دیگری از این مفاهیم که بتواند تساهل بیشتری نسبت به ارزش‌های دینی و بومی داشته باشد (مانند تساهل‌گرایی اسلامی، رویکردهای دین‌مدار به آزادی، لیبرالیسم و...)، زمینه را برای تضعیف نگاه غرب‌مدارانه به این اسطوره‌ها را ایجاد کند.

درمجموع مبتنی بر این سطوح مختلف تحلیلی و راهبردی؛ می‌توان یک بسته سیاستی کامل و متنوع را به سیاستگذاران پیشنهاد داد که حاوی سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.

جدول ۴. علل و راهبردهای قابل طرح در حوزه چالش‌های حقوق بشری ایران و غرب

سطح تحلیل	علل و مسائل	راهبردهای پیشنهادی
لیتانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأکید بر ادعای عدم رعایت حقوق زنان، اقلیت‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و محکوم کردن مجازات اعدام و اجرای برخی حدود شرعی و...</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اصلاح قانون مجازات و تمهید مجازات بدل از زندان، تصویب و اجرای قانون صیانت از حقوق شهروندی، گشایش در فضای مطبوعاتی و سیاسی، حمایت از حقوق قانونی اقلیت‌ها.</li> </ul>
تجربی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- علل سیاسی: مانند وضعیت رابطه با کشورهای غربی</li> <li>- علل تمدنی و فرهنگی: منازعه اسلام و غرب و تفاوت‌های فرهنگی</li> <li>- علل رسانه‌ای: اسلام‌ستیزی در رسانه‌ها</li> <li>- علل حقوقی: محدودیت‌های حقوقی کنوانسیون‌های مرتبط.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بهبود روابط با غرب و تغییر از وضعیت منازعه به تعامل</li> <li>- فعالیت در عرصه سازمان‌های بین‌المللی، تقویت ایده گفت‌وگوی بین‌ادیانی و تمدنی، تقویت پاسخگویی به اتهامات از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، مجازی و رسانه‌ای مختلف، استفاده از ظرفیت حقوقی حق شرط در پذیرش کنوانسیون‌های مرتبط.</li> </ul>
گفتمانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- گفتمان جهانی غرب محور</li> <li>- گفتمان بومی غرب‌باور</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ائتلاف و گفت‌وگو با جهان اسلام و کشورهای شرقی برای تدوین حقوق بشر بدیل، حضور پررنگ و عالمانه در مجامع بین‌المللی و مخالفت با سیطره غرب بر مجامع حقوق بشری بین‌المللی، تقویت گفتمان حقوق بشر بدیل با طرح گسترده و مستمر در مجامع علمی و دانشگاهی جهانی.</li> </ul>
اسطوره‌ای	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اومانیسیم</li> <li>- لیبرالیسم</li> <li>- پلورالیسم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طرح زبان استعاره‌ای جدید در مقابل زبان استعاره‌ای غربی، تضعیف قرائت واحد و اروپامحور از این اسطوره‌ها با تقویت نقدهای وارده به آنها، ارائه بدیل‌های نظری برای اسطوره‌های غربی مبتنی بر قرائت‌های مختلف از آنها.</li> </ul>

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

## منابع و مآخذ

۱. آذری، هاجرو نسرین طباطبایی حصاری (۱۳۹۶). «چالش‌های نظام حقوقی ایران در الحاق به معاهدات حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، ش ۱.
۲. بزرگمهری، مجید و علی‌عزیزی (۱۳۹۲). «چالش حقوق بشر در روابط اتحادیه اروپایی با جمهوری اسلامی ایران از نگاه اسناد اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۳، ش ۷.
۳. ستوده، محمد و حمید ابیا (۱۳۹۱). «مطالعه حقوقی چالش‌های حقوق بشری آمریکا و ایران»، مطالعات حقوقی دولت اسلامی، سال اول، ش ۲.
۴. عباسی، مجید (۱۳۹۲). «نقش حقوق بشر در واگرایی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۲، ش ۵.
۵. عباسی، مجید و احمد عزیزی (۱۳۹۷). «سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا؛ مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۲، ش ۲.
۶. عمار، محمد اسماعیل (۱۳۹۰). «بیداری اسلامی؛ تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم»، معرفت، سال ۲۰، ش ۱۶۸.
۷. فروغی‌نیا، حسین (۱۳۹۱). «بین‌المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۱، ش ۱.
۸. محمدی، فاطمه و سیدمحمدکاظم سجادیپور (۱۳۹۱). «حقوق بشر و سیاست خارجی: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، راهبرد، سال ۲۱، ش ۶۳.
۹. مهرپور، حسین (۱۳۷۲). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات.
10. Creppell, I., (2011). "The Concept of Normative Threat", *International Theory*, Vol. 3, Issue 3.
11. Inayatullah, S. (2004). *The Causal Layered Analysis (CLA) Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology*, Tamkang University Press.
12. Inayatullah, S. (2007). *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*, Tamkang University Press.
13. [www.saamad.ir](http://www.saamad.ir)
14. [www.rc.majlis.ir/fa](http://www.rc.majlis.ir/fa)
15. [www.ohchr.org](http://www.ohchr.org)